

سالگرد قیام 22 بهمن و طرح چند نکته

نویسنده: عمر ایلخانیزاده
برگردان از متن کردی

22 بهمن 1357 شمسی روزیست که تا ابد در تاریخ مبارزات مردم ایران میدرخشد. قیام جسورانه 22 بهمن، تخت و تاج رژیم سلطنتی را در هم کوبید و به نظام 2500ساله شاهنشاهی در ایران خاتمه داد. در این روز، توان، اراده و خواست واقعی مردم يك جامعه شد و به میدان آمد. قیام هزاران صحنه حماسی فراموش ناشدنی را خلق کرد و یکی از قدرتهای خاورمیانه و سپاهی عظیم و تا بن دندان مسلح و توانمند را به زانو در آورد. قیام بزرگ 22 بهمن نه فقط حکومت پهلوی را درهم پیچید، بلکه رهبران اسلامی جنبش را نیز مشوش نمود.

قیام با تمام اسلوب، خواست و طرح اپوزیسیون اسلامی آن زمان متفاوت بود. به همین علت بود که خمینی و تمامی کلان آیت الله ها به تکاپو افتادند و فرمان استرداد سلاح و مهمات در دسترس مردم را با فتواهای رنگارنگ مذهبی، صادر کردند. ارتش در هم شکسته را در آغوش کشیده و سریعاً کمیته و نیروهای خلع سلاح مردم را تأسیس نموده، قواره ارتش را حفظ کرده و مردم را از خیابان و پادگانها راهی منازل کردند. ارتش در هم شکسته بود اما رهبران اسلامی به هر شکلی آن را سد راه اراده و خواست مردم بپاخواسته نمودند. مردمی که سرمست از پیروزی بر ارتش پرتوان نظام پادشاهی بودند، خوش باورانه پنداشتند که کار تمام است، به سرعت آرام و رام شدند. جسارت و اراده قیام بدون رهبری 22 بهمن، خیلی زود و در فردای قیام با تهدید، ارباب و ضدیت رهبران اسلامی روبرو شد. قیام در میان سرمستی و خوشباوری قهرمانان خود محئی و زندانی شد و از آن زمان اهداف قیام عقیم ماند، آثار و نتایجش نیز بدون تردید و دودلی، آماج هجوم و یورش رهبران اسلامی واقع شد. نظام پادشاهی در هم شکست، استبداد اسلامی و ارتجاع میخ خود را کوفته و بنیان حاکمیتشان را برمبنای توهم قیام کنندگان استوار ساخته و مستحکم نمودند.

امروز 31 سال از آن روز میگذرد و اکنون مردم ایران علیه اختاپوسی که از فردای قیام بر گرده شان سوار شد، به پا خواسته اند. دوباره مردم روبروی استبداد ایستاده اند. دوره ای نوین، مبارزه ای نوین و

راهکاری نوین در دنیا و جامعه تحول یافته ایران، آغاز شده است. اینک که همگان از تجارب و آموزه های قیام 57 میگویند، جا دارد که ما هم به چند نکته اشاره بکنیم که ویژگیهای امروز کردستان نیز در آن طرح گردد.

1- اگر مبارزه و قیام 31 سال پیش عمر نظام پادشاهی در آن خاتمه یافت، اینبار باید بگوییم، دگرگونی با بودن حکومت جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه، محال است. مشخصه، هویت و ویژگی جنبش این دوره، کنار زدن سیستم جمهوری اسلامی در ایران است. میدانیم این نگرش از همین حالا مخالفینی جدی در میان اپوزیسیون دارد، همانگونه که حامیان و پشتیبانانش هم زیادند. رهبران اصلاح طلب اسلامی اپوزیسیون، خیلی صریح بانگ تداوم جمهوری اسلامی سر میدهند. اما بیش از هفت ماه از تظاهرات و مبارزات عمومی میگذرد و ارتقا و گسترش شعارها در راستای کنار نهادن این رژیم، بیانگر آرزوی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. سران حکومت نیز به دلایل متعدد اقتصادی، سیاسی و فکری، حاضر نیستند جدای ازگزینه حفظ و بقای رژیم راهی دیگر را بر گزینند.

2- آرزوی مردم، دول منطقه و افکار عمومی جامعه جهانی در جهت رفتن این رژیم است و کفه ترازو به این سمت سنگینی میکند، تا جاییکه به عنوان خطر بزرگ امنیتی منطقه از آن نام میبرند. تمامی نمودارها بر این حقیقت دلالت دارند که، جمهوری اسلامی نه میتواند از این ایزوله شدن بین المللی خود را برهاند و نه میخواهد سازشی با بیرون و یا درون داشته باشد، هر کدام از این گزینه ها را عامل مرگ خود تلقی میکند، و برعکس سیاست سرکوب و عدم سازش را امری بدیهی و روتین دانسته و آن را تنها راه نجات خود میداند.

3- در قیام گذشته، کردستان تنها بخشی از ایران بود که با دید تردید و گمان به رژیم و نظام آتی نگریده و بدون هیچ تردیدی در مقابل خمینی و رهبران اسلامی ایستاده و پرچمدار شعارهای دمکراتیک شد و صریحاً مطالبات ملی خود را نیز به میدان کشید. بخش چشمگیری از شهرها و روستاهای کردستان از سوی خود مردم اداره میشدند و مذهب در کردستان هیچگاه نتوانست به عنوان نیروی سیاسی مطرح شود و اگر اسلام سیاسی در گوشه و کنار نمودی می یافت، خیلی ضعیف و ناتوان و در حاشیه بسر میبرد و هر روز ضعیف و ضعیف تر میشد. از این رو نتوانستند مردم را خلع سلاح نموده و سلطه خود را تثبیت کنند. برعکس جنبش کردستان و مطالباتش بانگ زلال آزادیخواهان ایران شد و کردستان به مستحکمترین سنگر اهداف مورد یورش و در گلو مانده قیام بهمن 57 مبدل گشت. همین ویژگیها بود که کردستان را خار چشم سران جمهوری اسلامی ایران نمود و اینگونه درندانه مورد یورش قرار

دادند.

اگر در آن زمان در تمامی ایرا گفتمان تأسیس جمهوری اسلامی، هژمونی داشت، در جنبش امروز مردم ایران، اندیشه "سکولاریسم" حرف اول را میزند. این واقعیت آشکار ما را به این نتیجه میرساند که این بار جنبش کردستان شانس این را دارد که بتواند اثری کارا و ژرف بر جنبش سرتاسری داشته و حقانیت خود را برای تمامی ملل ایران به ثبوت رسانیده و دگرباره تنها نخواهد ماند. این نکته‌ای است که باید تا حد زیادی به مردم کردستان تضمین دهد.

4- نکاتی که فوقاً مورد اشاره قرار گرفتند، بیانگر آنند که موضع و برخورد به جنبش دمکراسی خواهی امروز ایران، ازسوی مردم کردستان نیازی عینی و مبرم است. به باور ما این اعلام موضع، باید دوماحور مهم و مشخص را دربرگیرد که عبارتند از: اول: مردم کردستان با روشنی و صراحت خواسته‌های ملی خود را فرموله نموده و اعلام نمایند. البته این مطالبات برای کسی نا آشنا و غریب نیستند، باید در طرح و مطالبه آنها پیگیر و جدی باشیم. طرح این خواسته‌ها را امرعمومی تلقی نموده و هیچکس و جریانی به میل خود قادر به عدول و یا پشت گوش انداختن آنها نباشد. دوم کردستان باید قورس و قایم بر کسب آزادیها و حقوق دمکراتیک و انسانی متعارف و شناخته شده در دنیای مدرن و دمکراسیهای امروز جهان پافشاری نماید. اساسی ترین این خواسته‌ها را به پلاتفرم و اهداف مشترک همه اپوزیسیون ایرانی تبدیل نموده و پیگیربودن خود برای تحقق آنها را به همگان اعلام نماییم. برای تثبیت این دو محور وظیفه همه ماست که با اقدام عمومی و نمایشات اعتراضی مدنی، توجه همه مردم ایران را به سوی کردستان جلب نمائیم. تنها در چنین حالتی است که جنبش کردستان با وزن و سنگینی خود به میدان خواهد آمد. ما نمیتوانیم و نباید تنها یکی از این دو محور را برجسته کنیم، و یا بدون توجه به اعتراضات عمومی اجتماعی، چنین بپنداریم که فریادمان شنیده شده و بهای درخور و شایان به آن داده خواهد شد.

5- امروز کردستان میتواند هم نقش اساسی و مهم در اعتراضات دمکراسی خواهی درایران ایفا نماید و هم برای کسب حقوق ملی خود گام اساسی بردارد. دو دلیل عمده برای این مهم می بینم. اول اینکه مردم کردستان 31 سال است که دربرابر این حاکمیت دیکتاتورمقاومت میکند و اگرچه دارا ی فرازوفرود خاص خود بوده، اما تسلیم نشده است. این ایستادگی اتورितه ای معنوی به کُردستان بخشیده به شکلی که در میان تمام آزادیخواهان ایران جایگاهی ویژه دارد. دوم اینکه مردم کُردستان هیچ توهم و تردیدی نسبت به هیچکدام از جناحهای حاکمیت جمهوری اسلامی نداشته و ندارند و گاه زمانی است که حساب

خود را با آنها روشن کرده‌اند. رمز اتحاد و یکپارچگی کردستان در مقابل رژیم اسلامی هم در همین روشن بینی عمومی است. در جنبش کردستان رویکرد "اصلاح طلبی اسلامی" فاقد جاهت، پایگاه و موقعیت است و در این سرزمین هیچ جنبش مذهبی شانس تفوق بر جنبش‌های ملی و دمکراسی را ندارد.

کردستان می‌تواند تکیه‌گاه و پرچم‌دار مطالبات ملی سایر ملل تحت ستم ایران باشد و جنبش امروز ایران را توانمندتر و پر محتوا تر نماید.

علیرغم وجود فاکتورهای مهم مذکور، باید بگوئیم که جایگاه و نقش کردستان و تثبیت موقعیت کُرد تنها در گروه‌مبستگی و همصدایی اش است. بویژه هماهنگی احزاب سیاسی و اقدام مشترک می‌تواند این گره‌کورها را بگشاید. معتقدیم هیچ طرفی نباید به تنهایی به میدان برود و یا با پیش‌کشیدن اختلاف نظر و تفاوت سلیقه، نباید منافع و مصلحت عمومی را فراموش کنیم. لذا اولین گام تلاش برای انجام "دیالوگ" داخلی جنبش کُردی برسر دو محور مطروحه فوق است. ما، "کومه له زحمتکشان کردستان" کار براساس حفظ پرنسیبهای بیان شده را پیشتر از ائتلاف و همپیمانی خارج از کردستان قرار می‌دهیم و این را موضعی شایسته برای تمامی نیروهای سیاسی میدانیم که وزنه کردستان را سنگینتر خواهد نمود. از این رولازم است از سرباز کردن شکافها میان جریان‌های سیاسی پرهیزیم و با تکیه بر روی اشتراکات موجود، مبنا و اساس همکاریهای آینده را پی‌ریزی نمائیم.